



تحلیل انتقادی از دیدگاه ابن تیمیه

در منزلت علمی امام رضا (علیه السلام)

دریافت: ۱۴۰۰/۴/۱ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۲۰

مرتضی میرزایی^۱، صفدر رجب زاده^۲، محمدعلی وطن دوست^۳، حمزه علی بهرامی^۴

چکیده

دشمنی و هابیت با اهل بیت عصمت و طهارت، بر کسی پوشیده نیست. ابن تیمیه به عنوان پرچمدار اصلی این فرقه، همواره کوشیده است فضایل اهل بیت (علیهم السلام) را انکار نماید و آنان را انسان‌های عادی جلوه دهد. وی با همین رویکرد تنقیص و انکار فضایل اهل بیت (علیهم السلام)، شبهاتی را درباره جایگاه علمی امام رضا (علیه السلام) مطرح می‌نماید و بر این باور است که شیعیان درباره جایگاه ایشان غلو نموده‌اند. ادعاهایی مانند «عدم اعلمیت امام رضا (علیه السلام)»، «عدم نقل روایت از سوی امام رضا (علیه السلام)»، «عدم نقل روایت علما از ایشان» و «نیامدن روایات امام رضا (علیه السلام) در صحاح سته» از سوی ابن تیمیه برای انکار جایگاه والای امام رضا (علیه السلام) نقل شده است. در این پژوهش، به شیوه توصیفی تحلیلی و با رویکرد انتقادی تلاش شده است، ضمن بررسی سخنان بزرگان اهل سنت و استناد به روایات موجود در کتاب‌های حدیثی و تفسیری اهل سنت، به ادعاهای ابن تیمیه پاسخ داده شود. نتیجه اینکه ادعاهای ابن تیمیه درباره جایگاه امام رضا (علیه السلام) مغالطه‌ای بیش نیست و با دیدگاه دیگر اندیشمندان اهل سنت ناسازگار است.

کلیدواژه‌ها: امام رضا (علیه السلام)، ابن تیمیه، نقد، جایگاه علمی، اعلمیت، عالمان اهل سنت.

۱. دانش‌پژوه رشته کلام مقارن سطح چهار مرکز تخصصی مطالعات تطبیقی مذاهب اسلامی (نویسنده مسئول): alabd.1362@gmail.com
۲. دانش‌پژوه رشته کلام مقارن سطح چهار مدرسه علمیه نواب: s.rajabzadeh1370@gmail.com
۳. استادیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی: ma.vatandoost@ferdowsi.um.ac.ir
۴. استادیار دانشکده الهیات و معارف اهل‌البیت (علیهم السلام) دانشگاه اصفهان: h.a.bahrami@litr.ui.ac.ir

۱. مقدمه

تقی‌الدین احمد بن عبدالحلیم، معروف به «ابن تیمیه» (۶۶۱-۷۲۸ق.) در دوران زندگی خود، نظرهایی را مطرح کرد که باعث تشویش اذهان و آشفتگی در باورهای مردم شد. وی صاحب تالیفات مهم و تأثیرگذار است به گونه‌ای که ابن شاکر شمار مصنفات او را تا ۳۰۰ عنوان دانسته و فهرست آثار او را در کتاب «فوات الوفيات» ثبت کرده است (ابن شاکر، ۲۰۰۰، ج ۱: ۷۷). از مهم‌ترین و مشهورترین آثار وی در میان سلفیه، کتاب «منهاج السنة النبویة فی نقض کلام الشیعة و القدریة» است که ابن تیمیه این کتاب را در رد کتاب «منهاج الکرامة فی معرفة الامام و الامامة» حسن بن مطهر، معروف به علامه حلی نوشته است. وی با ابن منجس خواندن علامه حلی با افترا و تهمت به عقاید شیعیان تاخت و در مقام تنقیص جایگاه علامه حلی برآمد. دیدگاه‌های تند وی در تنقیص اهل بیت، موجی از اعتراض‌ها و انتقادهای شدید را ضد او پدید آورد و از سوی اندیشمندان اسلامی به‌ویژه اهل سنت عنوانی چون کافر، ناصبی، فاسق، منافق، سفیه و مرتد به وی نسبت داده شد. ابن تیمیه با رویکرد حدیث‌گرایی افراطی، در همه فضایل اهل بیت به صورت کلی و مصداقی تشکیک نموده و روایات فضایل اهل بیت به‌ویژه امام رضا (علیه السلام) را دروغ و جعلی می‌داند. وی در همه آثار خود با عباراتی چون «سلف الامه و ائمتها»، «اهل السنه و الجماعه»، «اتفاق سلف الامه ائمه السنه»، «الطریقه السلفیه» (ابن تیمیه، ۱۳۹۸ق، ج ۱: ۲۴۳؛ ج ۲: ۹۰؛ ج ۳: ۱۱۵) از مبنای سلفی خود یاد کرده است. از همین روست اگر روایتی که در منابع مورد قبول ابن تیمیه درباره اهل بیت آمده و مطابق دیدگاه او باشد، به صورت خاص مورد استناد قرار می‌گیرد و اگر مطابق نظر وی و سلفیه نباشد، طرد می‌شود.

۲. اشکالات ابن تیمیه در فروکاستن مقام علمی امام رضا (علیه السلام)

اهل بیت (علیهم السلام) به‌ویژه امام رضا (علیه السلام) نزد برخی اندیشمندان اهل سنت، همیشه دارای احترام بوده‌اند و آنان بر مقام علمی و معنوی اهل بیت (علیهم السلام) تأکید ورزیده‌اند (طبری، ۱۳۵۶ق، ج ۱: ۲۸). از این رو مشاهده می‌شود اندیشمندان اهل سنت در منابع تفسیری،

حدیثی، تاریخ و رجالی، فضایل اهل بیت را تبیین کرده‌اند. در مقابل این رویکرد، ابن تیمیه با حدیث‌گرایی افراطی در آثار خود به انکار و تکذیب این فضایل پرداخته است. فضایل و مناقب معنوی، علمی، اجتماعی و سیاسی امام رضا علیه السلام به گونه‌ای است که اهل سنت جملگی به آن اذعان نموده‌اند. این در حالی است که ابن تیمیه افزون بر انکار فضایل معنوی، علمی، اجتماعی و سیاسی ایشان، در مقام اهانت بر وی برآمده است. در جستار پیش رو، دیدگاه وی درباره جایگاه معنوی امام رضا علیه السلام ارزیابی و نقد شده است.

۲-۱. اعلم بودن امام رضا علیه السلام ادعای بدون دلیل

نخستین اشکالی که ابن تیمیه به صورت قاطعانه درباره جایگاه علمی امام رضا علیه السلام بیان می‌نماید، این است که اعلمیت امام رضا علیه السلام، ادعایی بیش نبوده و هیچ دلیل و مستندی ندارد (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۴: ۶۱).

۲-۱-۱. نقد و بررسی

۲-۱-۱-۱. اعتراف علمای اهل سنت به اعلمیت امام رضا علیه السلام

امام رضا علیه السلام از جمله چهره‌های درخشانی است که هر بینای اندیشمندی را به تعظیم و تکریم ارزش‌ها واداشته است. دانش گسترده امام، سبب شده است موافقان و مخالفانش به عظمت و شخصیت علمی حضرت، اعتراف کنند. جای این پرسش است که چگونه ابن تیمیه که همیشه در اثبات و نفی مطالب، مسئله اجماع را مطرح می‌نماید و برای آن محوریت قائل است و در مقام بیان دیدگاه سلف با الفاظی همچون اتفق السلف، باجماع جمیع الائمه، السلف کلهم، لم یقله احد ابداء، لایعلم فی ذلک خلافا، لم اجد فیه ابداء و... ادعای پیروی از سلف را مطرح می‌نماید، اما در اینجا مرتکب تناقض گویی شده و این گونه علنی از سلف پیروی نکرده و جایگاه علمی حضرت را انکار می‌نماید. می‌توان گفت علت این انکار همان بغض و کینه وی به اهل بیت است که موجب شده این گونه فضایل را

منکر شود. در این بخش برخی از اعترافات دانشمندان اهل سنت برای بیان و نشان دادن جایگاه و شخصیت علمی حضرت آورده می‌شود.

۱. محمد بن جریر طبری می‌نویسد: «در سال ۲۰۱ قمری مأمون، علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب را ولی عهد مسلمانان و جانشین خود گرداند، وی را «الرضی من آل محمد» نامید و دستور داد سپاهش لباس سیاه را دور افکنند و لباس سبز بپوشند و این موضوع را به همه کشور اطلاع داد. مأمون کسی را که برتر و پرهیزکارتر و داناتر از علی بن موسی (علیه السلام) باشد، پیدا نکرد» (طبری، ج ۵: ۱۳۷). قابل توجه است که طبری نزد ابن تیمیه جایگاه ویژه‌ای داشته، به گونه‌ای که از تفسیر وی با عنوان «اجل التفاسیر الماثوره و اعظمها قدرا» یاد کرده و مکرر به اسناد او اعتماد می‌نماید و آن را حاوی سخنان سلف می‌داند (ابن تیمیه، ۱۴۲۶ق، ج ۲: ۶۰۲).

۲. ابن اثیر در کتاب تاریخ خود به نقل از حسن بن سهل نسبت به مقام علمی امام رضا (علیه السلام) چنین می‌نویسد:

«حسن بن سهل به عیسی بن محمد بعد از مراجعت به بغداد در نامه‌ای خبر ولایت عهدی امام رضا (علیه السلام) را داد و در آن نامه نوشت: وقتی مأمون قصد داشت ولیعهد انتخاب کند، هر چه گشت در میان بنی عباس و بنی علی، کسی را که افضل و اورع و اعلم از امام رضا (علیه السلام) باشد، نیافت، لذا امام را ولیعهد خود قرار داد» (ابن اثیر، ۱۴۱۷ق، ج ۵: ۴۸۴).

۲-۱-۱-۲. اثبات اعلییت از طریق تسلط حضرت بر زبان‌های مختلف

آگاهی از زبان‌های مختلف، از علومی است که نشانگر اعلییت آن شخص است. خداوند متعال دین را به‌طور کامل بر مردم عرضه کرد و همه آموزه‌هایی که برای پیمودن مسیر هدایت بدان نیازمندند، در اختیارشان قرار داد. این امر بیانگر آن است که خداوند از هیچ لطفی برای رسانیدن احکام و معارف دین به بندگانش دریغ نمی‌کند. از این‌رو، پس از محروم شدن بندگان از فیض حضور پیامبران (علیهم السلام)، امام به عنوان جانشین پیامبر خدا همه معارف دین را از ایشان به ارث می‌برد و بر همه اسراری که برای هدایت بشر و رسانیدن

او به مقام قرب الهی نیاز است به اذن خداوند واقف می‌شود؛ بنابراین حضرت بر همه علوم احاطه کامل داشته‌اند؛ از نشانه‌های وسعت علم ایشان این بود که می‌توانستند به همه زبان‌ها سخن بگویند. اباصلت هر وی نقل می‌کند که امام رضا (علیه السلام) با مردم به زبان خودشان سخن می‌گفت. من در مورد این فضیلت از حضرت سوال نمودم. ایشان پاسخ دادند: «ای اباصلت، من حجت خدا بر آفریدگارش هستم و خدا حجتی را که با زبان مردم آشنا نباشد، برای آن‌ها تعیین نمی‌کند. آیا تو کلام امیرالمومنین را نشنیده‌ای که می‌فرمود: به ما قضاوت صحیح و کامل عطا شده است. آیا این علم به زبان‌ها نیست؟» (ابن شهرآشوب، ۱۴۳۲ق، ج ۴: ۳۳۳).

آنچه از روایت یادشده از امام رضا (علیه السلام) استفاده می‌شود، تسلط ایشان بر همه زبان‌هاست، زیرا اولاً در روایت چنین آمده است: «خدا حجتی را که با زبان مردم آشنا نباشد، برای آن‌ها تعیین نمی‌کند»؛ یعنی آشنایی با زبان همه مردم، دلیلی بر حجت بودن امام ذکر شده است و ثانیاً عبارت «زبان مردم» اطلاق دارد و همه زبان‌ها را در برمی‌گیرد. نتیجه آنکه امام رضا (علیه السلام) مسلط بر همه زبان‌ها بوده‌اند و این دلیل روشنی بر اعلمیت ایشان است.

۲-۱-۱-۳. اثبات اعلمیت از طریق پیشگویی‌های حضرت

یکی از نشانه‌های علم غیب، پیش‌بینی حوادثی است که در آینده رخ می‌دهد. امام رضا (علیه السلام) به وسیله علم غیبی که خداوند در اختیار اهل بیت قرار داده است از حوادثی خبر می‌دادند که دقیقاً همان‌گونه رخ می‌داد. در این بخش به چند نقل بسنده می‌شود:

۱. حسن بن بشار روایت می‌کند که امام رضا (علیه السلام) فرمودند: «عبدالله (مامون) محمد (امین) را خواهد کشت. من از ایشان پرسیدم آیا عبدالله بن هارون، محمد بن هارون را خواهد کشت؟ حضرت پاسخ دادند: بله» (ابن شهرآشوب، ۱۴۳۲ق، ج ۴: ۳۳۸).

۲. پیشگویی حضرت از شهادت خود: حضرت درباره چگونگی شهادت و محل شهادت خودشان خبر داده‌اند به گونه‌ای که اندیشمندان اهل سنت آن را نقل کرده‌اند. ابن حجر هیثمی در این باره چنین نقل می‌کند: پیش از مرگش خبر داد که او انگور و اناری

می خورد و بر اثر آن می میرد و مامون می خواهد او را پشت رشید(پدرش) دفن کند، ولی نمی تواند همه این موارد آن گونه که ایشان خبر داد، رخ داد(ابن حجر، ج ۲: ۵۳۹).

۳. حسین فرزند امام موسی کاظم (علیه السلام)، درباره علم امام غیب امام چنین نقل می کند: ما جوانانی از بنی هاشم در اطراف امام رضا نشسته بودیم، جعفر بن محمد علوی با سر و وضع نامرتب از مقابلمان گذشت و ما نگاهی به یکدیگر انداختیم و به او خندیدیم. در همین حال حضرت فرمودند: در آینده ای بسیار نزدیک شاهد خواهید بود که جعفر بن محمد علوی ثروتمند خواهد شد. وی گوید یک ماه بعد دیدیم که جعفر حاکم مدینه شده و از موقعیت خوبی برخوردار است (مالکی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۹۷۹).

۲-۲. اعلم بودن برخی اندیشمندان نسبت به امام رضا (علیه السلام)

ابن تیمیه بر این باور است که در عصر امام رضا (علیه السلام) عده ای از اندیشمندان اسلامی وجود داشته اند که به اذعان همه اعلم از امام رضا (علیه السلام) بوده اند. بر پایه باور وی به رغم وجود اعلم از امام رضا (علیه السلام) در میان اندیشمندان اسلامی، ادعای علامه مبنی بر اعلمیت امام رضا (علیه السلام) ادعای گزاف بوده و صحیح نیست. وی در این باره می نویسد: «در میان معاصرین علی بن موسی افراد متعددی هستند که به اذعان همه قطعاً اعلم از وی بوده اند؛ افرادی همچون شافعی، اسحاق بن راهویه، احمد بن حنبل، اشتهب بن عبد العزیز که علمیت ایشان زبانزد خاص و عام بوده است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۴: ۶۰).

۲-۲-۱. نقد و بررسی

۲-۲-۱-۱. جایگاه علمی امام رضا (علیه السلام) در مناظرات

با نگاهی به مناظرات امام رضا، اعلمیت حضرت اثبات شده و خطای ابن تیمیه در قیاس مقام علمی حضرت با افرادی همچون شافعی، بر همگان آشکار می گردد. بی شک یکی از برترین مؤلفه های اثبات قدرت علمی امام رضا (علیه السلام) بر دیگران، مناظراتی است که ایشان

با بزرگان ادیان و مذاهب داشته‌اند؛ تحلیل مناظرات حضرت با اشخاص گوناگون حاکی است که ایشان اعلم علمای زمان خود بوده است؛ چراکه بر کتب دیگر ادیان تسلط کامل داشته‌اند و با توجه به منابع طرف مقابل با آن‌ها مجادله کرده‌اند. آنچه مناظرات و مباحث امام را از دیگران ممتاز ساخته، ویژگی‌ها و امتیازات خاص حضرت بوده است که در مناظرات از آن‌ها استفاده می‌کردند؛ از آن میان می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. استفاده از روش‌های عقلی و استدلالی ۲. تکیه بر اصول مشترک بین ادیان؛ چنان‌که قرآن کریم خطاب به پیامبر اکرم می‌فرماید: «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشکر به شیئاً و لا یتخذ بعضنا ارباباً من دون الله...» (آل عمران، ۶۴) ۳. به‌کارگیری فصاحت درگفتار ۴. عنایت به احکام الهی ۵. تسلط امام بر ارائه انواع ادله علمی در برابر عالمان مختلف ۶. امام به کتب سایر ادیان از خود آن‌ها بیشتر واقف است (قرشی، ج ۱: ۴۱۹-۴۲۳). مناسب است در اینجا برخی مناظرات امام و کیفیت پاسخ ایشان به بزرگان مکاتب مختلف اشاره شود تا شاهدی بر ویژگی‌های فوق باشد؛ در میان بحث‌های مختلف امام با افراد گوناگون، مناظره با جاثلیق یهودی، عمران صابی، اهمیت خاصی دارد (طبرسی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۴۲۴). بنابر گزارش‌های منعکس شده از مناظره امام رضا (علیه السلام) با این دو شخصیت، مشاهده می‌شود که پاسخ حضرت با جواب‌های بسیار منطقی و قوی اعم از عقلی و نقلی از منابع معتبر طرف مقابل، همه نشانه‌های علمیت حضرت بوده به‌گونه‌ای که اندیشمندان به حقانیت امام و عجز خود در برابر ایشان اعتراف کردند تا آنجا که افرادی مثل عمران صابی به حضرت ایمان آوردند و در برابر همگان سجده کردند.

۲-۱-۲-۲. جایگاه امام در مقابله با علوم مختلف از جمله نهضت ترجمه

از مهم‌ترین ویژگی‌های عصر امام رضا (علیه السلام)، نهضت ترجمه کتب غیر اسلامی بود که در زمان هارون ایجاد و به دستور مأمون، توسط گروهی از مترجمان برجسته در بیت الحکمه به ریاست یوحنا ماسویه به‌جد پیگیری شد. ابن ندیم در علم دوستی مأمون می‌نویسد: «مأمون گروهی از مترجمان معروفی همچون حجاج بن مطر ابن بطریق، حنین بن اسحاق

و یوحنا بن ماسویه را که به زبان‌های مختلف آشنایی داشتند به سرزمین روم فرستاد و آنان نیز سیل عظیمی از کتاب‌های یونانی و رومی را به جهان اسلام آوردند (ابن ندیم، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۳۰۱).

با وجود فواید ترجمه، مشکلات متعدد دیگری نیز وجود داشت از آن جمله می‌توان به «تعصب مترجمان مذاهب غیر اسلامی برای نشر عقاید انحرافی و خرافی» اشاره کرد. همچنین گروهی یا افرادی که بتوانند آثار علمی بیگانگان را ارزیابی کنند وجود نداشت. بر همین اساس، وجود برخی فرقه‌ها و کتاب‌های ایشان که عقل‌گرایی را بر اساس کتب یونانی و سریانی ترویج دادند، سبب شد عده زیادی به عقیده اعتزال گرایش پیدا کنند. در چنین فضایی امام رضا (علیه السلام) با روشنگری معارف دینی، راه و رسم تحقیق و تحصیل علم را به مردم معرفی کردند تا از انحراف‌ها نجات یابند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۲۶). یکی از عقاید انحرافی که در آن زمان مطرح شده بود، عقیده تجسیم و تشبیه بود. ذهبی در کتاب خود عبارت بزرگانی از اهل سنت را به همراه آرایش‌شان درباره مسئله توحید یادآور می‌شود که نشان می‌دهد تجسیم و تشبیه و امثال آن درباره خداوند متعال به شدت رایج بوده و این انحراف در میان توده مردم در حال شکل‌گیری بوده است (ذهبی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۱۷۶). با انحراف امامان اهل سنت و ائمه حدیث، چه انتظاری از عموم مردم است که به این عقاید باطل معتقد نشوند؟ وقتی از احمد بن حنبل سؤال شد از اینکه آیا خدا در بالای آسمان هفتم و روی عرش قرار دارد؟ در جواب گفت: بله، او روی عرش قرار دارد و به همه عالم تسلط دارد. همین سؤال را نیز از ابوزرعه رازی پرسیدند که رأی تو در تفسیر آیه «الرحمن علی العرش استوی» چیست؟ او با ناراحتی چنین پاسخ می‌دهد: تفسیر آیه همان است که خود آیه می‌گوید (یعنی خدا بر روی عرش است طبق ظاهر آیه و تفسیر آن هم غیر از ظاهر آن نیست). (همان: ۱۸۶). در چنین فضایی امام رضا (علیه السلام) اهتمام ویژه‌ای به تبیین حقیقت توحید داشته و بر همین اساس امروزه در منابع روایی، بیشترین روایات و بحث‌های توحیدی از وجود مبارک ایشان به چشم می‌خورد. با وجود کتب فراوانی که ترجمه شد، فرقه‌های مختلفی هم از درون جامعه اسلامی و شیعی بروز و ظهور پیدا کرده بود و حضرت برای حفظ فرقه قطعیه (که همان شیعیان واقعی و معتقد به امامت ایشان

بودند) از گزند آسیب تبلیغات فرقه‌های انحرافی با بزرگان این فرقه‌ها بحث می‌نمود که برخی از این مباحثات نیازمند سفرهای مختلفی به شهرهای گوناگون بود که امام انجام می‌داد (فضل الله، ۱۳۶۱: ۱۶۱). امام رضا (علیه السلام)، این چنین اسلام را به عنوان یک دین با رویکرد عقلانی معرفی می‌فرمود که این تغییر، آثار و برکات فراوانی داشت؛ از جمله اینکه با این رویکرد، راه بسیاری از مغالطه‌ها و سفسطه‌ها و مجادله‌های غیرمنطقی بسته شد که به برکت آن بطلان بسیاری از فرقه‌ها و تفکرات رایج در آن زمان، واضح و برای آیندگان هم راهی بسیار قوی و دشمن شکن ایجاد شد که در آینده هم مسلمانان بتوانند به واسطه آن نگرش فکری جامعه اسلامی را از خطرات و انحرافات محافظت کنند (شریعت‌مداری، ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۸۷). تاثیر امام رضا (علیه السلام) بر فضای علمی در دنیای اسلام بسنده نشد، بلکه علوم و فضایل حضرت به صورت بین‌المللی درآمد که این امر برای علمای مختلف غیرمسلمان از لابه‌لای گفت‌وگوها و مناظرات ایشان واضح و آشکار شد.

۲-۲-۳. مقایسه مقام علمی امام با افرادی همچون شافعی، قیاس مع الفارق است

اینکه ابن تیمیّه امام رضا (علیه السلام) را با افراد معاصری همچون احمد و شافعی و اسحاق و دیگران مقایسه می‌کند و بعد آن‌ها را اعلّم از امام می‌شمارد، این قیاس ناصواب بوده و به دور از انصاف است. در این بخش خطاهای این اندیشمندان در علوم مختلف بیان می‌شود تا ناصواب بودن این مقایسه هرچه بیشتر واضح شود:

۱. شافعی؛ محمد بن ادریس بن العباس بن عثمان بن شافع الهاشمی المطلبی در سال ۱۵۰ قمری در غزه متولد شد و دوران کودکی سختی را در فقر به سر می‌برد، ولی با آن حال علاقه زیادی به علم داشت. در ۲۰ سالگی ایامی را شاگرد مالک شد و بعد از آن مدتی درس شاگردان ابوحنیفه حاضر شد و فقه او را نیز فراگرفت؛ بعد از گذشت دو سال به مدینه برگشت و به فتوا دادن پرداخت (محمد سوید، ۱۴۱۸ق: ۲۵). یکی از رفتارهای شافعی و انصاف علمی او آن است که می‌گویند: هرگاه رأی و نظری می‌داد و می‌فهمید که در آن خطا کرده، با شجاعت از نظر خود بر می‌گشت (و خوفی از اقرار به اشتباه نداشت) و می‌گفت: «هیچ انسانی نیست مگر اینکه بعضاً سنّت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را

فراموش می‌کند، لذا هرگاه به اشتباه حکمی را بر خلاف قول پیامبر بگوییم، پس قول حق همان کلام رسول الله است» (سیوطی، ۱۴۲۹ق، ج ۱: ۱۶۸). اگرچه کلام شافعی وجود خارجی اشتباه را اثبات نمی‌کند، اما بیان محمد سدید در المذاهب الاسلامیه الخمسه حکایت از وقوع غفلت نسبت به رأی صحیح دارد؛ در حالی که در سیره امام رضا (علیه السلام) از این اشتباهات و لغزش‌ها اصلاً مشاهده نشده و کسی چیزی نقل نکرده است. با این حال مشاهده می‌شود که ابن تیمیه وی را اعلم از حضرت، می‌داند. ابن جنید به نقل از یحیی بن معین می‌گوید: «روا نیست برای هیچ مسلمانی که به آرای شافعی نظر کند؛ أخذ به آرای ابوحنیفه در نزد من بسیار محبوب‌تر است از أخذ به آرای شافعی» (جمعی از محققین، ۱۴۳۰ق، ج ۴: ۱۳۷). این تعبیر ابن معین که به گفته احمد بن حنبل، رد و قبول او در احادیث ملاک و ضابطه است (بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ۲۶۳)، ادعای اعلی‌ت شافعی را نقض می‌کند، زیرا طبق بیان ابن معین آرا و دقت‌های علمی ابوحنیفه برتر از شافعی است. ابوحنیفه که اقرار می‌کند اگر شاگردی دو ساله نزد امام صادق (علیه السلام) نبود، هلاک می‌شدم (دهلوی، ۱۳۷۳ق، ج ۱: ۸) و خود را اینچنین ذلیل و متواضع نزد امام می‌داند، به عقیده شیعه همان علم و فضایل نزد امام رضا (علیه السلام) و دیگر ائمه معصومین نیز قرار دارد؛ حال که آرای ابوحنیفه به اقرار ابن معین برتر از شافعی است و موقعیت او هم در مقایسه با امامان نیز معلوم است، کذب عملیت وی از امام رضا (علیه السلام) واضح می‌شود.

۲. احمد بن حنبل؛ در حق احمد بن حنبل موافقان و مخالفان قلم‌فرسایی کرده‌اند. موافقان در وصف او فضایل عجیبی نقل کرده‌اند تا آنجا که بخشی از فضایل، غلو در حق اوست و شباهت به معجزه می‌دهد (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰: ۳۳۵). برخی از تعابیر مخالفان بدین شرح است: محمد بن محمد بروی از علمای شافعی می‌گوید: اگر می‌توانستم و قدرت داشتم، بر حنابله جزیه قرار می‌دادم (ابن عماد، ۱۴۰۶ق، ج ۶: ۳۷۰). بنابر نقل ابن جوزی، خطیب بغدادی احمد را در زمره فقها نام نبرده و او را به قلت دین و تعصب متّصف می‌کند (ابن جوزی، ج ۱۶: ۱۳۲). فقیه بودن احمد محل اختلاف بوده که جماعتی وی را فقط یک محدث دانسته و در زمره فقیهان قرار نمی‌دادند (کثیری، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ۱۴۴).

دیدگاه مخالفان شاهی بر اتفاق نداشتن امت بر علمیت اوست، چه رسد به اعلمیت وی! ابن تیمیه ادعا می کند که احمد اعلم است از امام رضا (علیه السلام) در حالی که فقاہت احمد محل تضارب آرا بوده و حتی خود احمد در برخی موارد وقتی مسئله فقهی را از او سؤال می کردند، نمی توانست جواب دهد و به غیر خود همچون اباثور ارجاع می داد (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۱: ۳۱).

۳. اسحاق بن راهویه؛ اسحاق بن راهویه متوفی ۲۳۸ قمری است که در عصر احمد بن حنبل می زیست؛ بزرگان اهل سنت برایش فضایل مهمی را قائل هستند، چنانچه ذهبی او را امام کبیر و سرور حافظان و بزرگ مشرق زمین می داند (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۱: ۳۵۸). یا مزّی در وصف او گفته است: یکی از امامان در حدیث و از علمای دین است، وی جامع فقه و حدیث بوده و صدق و ورع و زهد در او نیز جمع شده است (مزّی، ۱۴۰۰ق، ج ۲: ۳۷۳). با همه این تفصیلات، سبط ابن جوزی در تذکره الخواص از قول واقدی چنین نقل می کند: «در سال ۲۰۰ که مامون امام رضا (علیه السلام) را به مرو آورد، در طول مسیر زمانی که به نیشابور رسیدند علمای منطقه همراه با اسحاق بن راهویه خارج شده و برای اخذ حدیث و نقل روایت از امام و تبرک به ایشان به سمت محل استقرار حضرت به راه افتادند» (ابن جوزی، ۱۴۲۴ق، ج ۱: ۶۴۹). حال با نقل چنین گزارش هایی، تبیین می شود که ادعای ابن تیمیه مخالف واقع بوده و با چنین نقلی در تعارض است؛ از طرفی اسحاق اعلم از امام رضا (علیه السلام) باشد و از سوی دیگر سر از پا نمی شناسد برای اینکه بتواند روایتی را از امام (علیه السلام) اخذ کند و خود را به آن متبرک سازد!

۴. اشهب بن عبد العزیز؛ اشهب بن عبد العزیز بن داوود بن ابراهیم القیسی از بزرگان عامه است که ذهبی وی را امام، علامه و مفتی مصر معرفی می کند (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۹: ۵۰۰). بنابر برخی اقوال نام او مسکین و لقب او اشهب است، وی مهم ترین شاگرد مالک بن انس بوده و شافعی در وصف او می گوید: مصر، افقه از اشهب به خود ندیده است (همان، ج ۹: ۵۰۱). با اینکه شافعی از اشهب تعریف کرده، اما در ادامه اشهب را دارای «طیش» معرفی می کند و این صفت خود نقص بزرگی برای اوست، زیرا از نظر لغت این کلمه به معنای سبکسری و خفت و کمی عقل است (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۹: ۱۰۶) و می گوید: تنها

اشکال اشهب این است که در او طیش وجود دارد (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۹: ۵۰۱). حتی به تعبیر برخی، این صفت به معنای از بین رفتن عقل و جاهل شدن است (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۹: ۱۳۶). این کلام شافعی جای تأمل دارد، زیرا اتهام سبک‌سری و سبک‌مغزی از سوی شافعی نسبت به اشهب، لازمه‌اش نقض کلام ابن تیمیه است، آنجا که اشهب را اعلم می‌داند (کم‌عقلی و سبک‌سری چگونه با اعلمیت سازگاری دارد؟).

۲-۳. اهل علم از امام رضا (علیه السلام) روایت نقل نکردند

ابن تیمیه زیرکانه بعد از ادعای اعلم نبودن امام رضا، مسئله نقل روایت را مطرح می‌نماید و می‌گوید: هیچ عالمی نیست که حتی یک حدیث هم از امام رضا (علیه السلام) نقل کرده باشد و اینکه گفته شده فقهای اهل سنت از علی بن موسی الرضا نقل کرده‌اند، دروغی بیش نیست، بلکه مشهور فقها روایت معروفی از ایشان اخذ نکرده‌اند و اگر هم نقلی رسیده، توسط برخی از افرادی که از فقها به حساب نمی‌آیند، بیان شده و طبق امر مرسوم در آن زمان، عالمان متوسط از افراد متوسط در فقه بلکه حتی از افراد پایین‌تر از خود اخذ حدیث می‌کردند اما فقها، خیر، چنین امری میانشان مرسوم نبوده است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۴: ۶۰).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

۲-۳-۱. نقد و بررسی

۲-۳-۱-۱. نبود نقل، دلیلی بر نبود علم نیست!

بر فرض پذیرفته شود که از امام رضا (علیه السلام) نقلی وارد نشده باشد، آیا نقل نشدن را می‌توان دلیلی بر نبود علم دانست؟! اینکه ابن تیمیه نقل نشدن روایت را دلیل عالم نبودن امام بر شمرده است، خطایی بس آشکار است؛ زیرا نقل نکردن روایت با عالم نبودن هیچ ملازمه‌ای ندارد؛ چه بسا اندیشمندان بسیاری هستند که تالیفی از خود به جای نگذاشته‌اند یا بحثی از آنان با مخالفان خود نقل نشده است یا از حضور آنان در

محافل علمی نیز گزارشی وجود ندارد، در حالی که دیگران از آنان به بزرگی یاد کرده و آنان را عالم، فقیه و امام خوانده‌اند. از جمله این افراد اسماعیل بن عبدالرحمن است که ذهبی از وی با عنوان «الامام المفسر» یاد می‌کند (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۱: ۲۱۰)، همچنین سفیان ثوری که ابن حبان از او با عنوان «الامام فقیه اهل المدینة» یاد می‌کند (ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ج ۸: ۲۱). در حالی که این افراد صاحب تصنیف نبوده و در محافل علمی آنچنان حضور علمی نداشته‌اند، اما با وجود این، از آن‌ها به فقیه، امام و محدث یاد شده است. اکنون این پرسش مطرح است که بنابر مبنای ابن تیمیة کسی که عالم، فقیه، امام و مفسر خوانده می‌شود ولی آثار علمی ندارد، آیا می‌توان وی را به عالم بودن متهم کرد؟! روشن است که عرف چنین ملازمه‌ای را نفی می‌نماید.

۲-۱-۳-۲. روایات بزرگان اهل سنت از امام رضا علیه السلام

به‌رغم ادعای ابن تیمیة مبنی بر نقل نشدن روایت اندیشمندان اهل سنت از امام رضا علیه السلام، با مراجعه به میراث مکتوب اهل سنت مشاهده می‌شود که روایات متعددی در کتاب‌های حدیثی و تفسیری اهل سنت آمده است که در این بخش به چند نمونه اشاره می‌شود:

۲-۱-۳-۲. روایات بزرگان اهل سنت از امام رضا علیه السلام

روایت اول: «الإیمانُ معرفةٌ بالقلْبِ، وَقَوْلٌ بِاللِّسَانِ، وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ».

این حدیث را بزرگانی مانند ابن ماجه قزوینی (ابن ماجه، ۱۴۳۰ق، ج ۱: ۴۶)، طبرانی (طبرانی، ج ۶: ۲۲۶)، خطیب بغدادی (بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲: ۳۱۵)، مزی (مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۱۸: ۸۲)، ذهبی (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۵: ۴۰۰). سبکی (سبکی، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۱۱۹). از امام رضا علیه السلام نقل کرده‌اند.

روایت دوم: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ، وَعَلِيُّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا».

این روایت نیز در کتب بزرگان مختلف آمده است، مانند:

طبری (طبری، بی تا، ۳: ۱۰۵)، طبرانی (طبرانی، بی تا، ج ۱۱: ۶۵)، حاکم نیشابوری (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳: ۱۳۷)، خطیب بغدادی (بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۶۵۵)، ابن عساکر (ابن عساکر، ۱۹۹۵م، ج ۴۲: ۳۷۹)، ابن اثیر (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۵۹۷)، مزّی (مزّی، ۱۴۰۰ق، ج ۱۸: ۸۳) نقل کرده‌اند.

۲-۳-۱-۲-۲. روایات تفسیری امام رضا (علیه السلام) در تفاسیر اهل سنت

نقل روایت در کتب تفسیری معتبر اهل سنت نیز شاهد دیگری بر رد ادعای ابن تیمیه مبنی بر نقل نشدن روایت در کتب اندیشمندان اهل سنت است. برخی از این روایات تفسیری عبارت است از:

۲-۳-۱-۲-۲-۱. تفسیر آیه «يُمَحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» (رعد، ۳۹)

امام رضا (علیه السلام) از اجدادشان نقل می‌کنند که «ی‌محو الله ما یشاء و یثبت» یعنی: خداوند موارد مختلفی را همچون کفر، منکر، غفلت، بغض، ضعف، جهل، شک و هوی پرستی را محو و در مقابل آن ایمان، معروف، ذکر، محبت، قوت، علم، یقین و عقل را ثابت نگه می‌دارد (سلمی، ۱۴۲۱ق، ج ۱: ۳۵۵).

۲-۳-۱-۲-۲-۲. تفسیر «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

امام رضا (علیه السلام) از آباء گرامی‌شان درباره تفسیر (بسم الله) چنین نقل می‌کنند: «باء آن نشانه بقاء خداست، سین علامت اسماء الهی است، میم ملک اوست...» (همان، ج ۱: ۴).

۳-۲-۱-۳-۲. «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ...» (طلاق، ۱۲)

الوسی، ذیل این آیه روایتی را از حسین بن خالد از امام رضا (علیه السلام) می آورد که حضرت هفت آسمان و هفت زمین را شرح دادند و مصادیق آن را تبیین فرمودند (الوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۳۳۹).

۳-۲-۱-۳-۲. «أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ...» (جائیه، ۲۳)

الوسی باز هم حدیث قدسی را از امام رضا (علیه السلام) نقل می کند که حضرت فرمودند: «هرکه آخرین کلامش در این دنیا کلمه لا اله الا الله باشد، بدون حساب وارد بهشت خواهد شد» (همان، ج ۱۳: ۲۱۶).

۳-۲-۱-۳-۲. نقل روایات فقها از امام رضا (علیه السلام)

نقل روایت در برخی از کتب فقهی توسط فقهای نامدار اهل سنت و تصریح بر صحت چنین روایاتی نیز شاهد دیگری بر صدور روایت از امام رضا (علیه السلام) توسط اندیشمندان اهل سنت و بی اعتباری سخن ابن تیمیّه است. احمد بن حنبل به عنوان فقیه اهل حدیث درباره حدیث سلسله الذهب چنین گوید: «اگر این سند را بر مجنون و دیوانه ای بخوانند از آن حالت جنون خود بهبودی خواهد یافت» (ابن حجر هیتمی: ۳۰۰). ذهبی سلفی هم در توصیف مقام و جایگاه امام رضا (علیه السلام) و نقل روایت از حضرت توسط فقها چنین می نویسد: «علی بن موسی الرضا شخصیتی است دارای شأن و منزلت بسیار بالا، صاحب علم و بیان است، و جایگاه ویژه ای در قبول مردم دارد، فقهایی همچون آدم بن ابی ایاس، احمد بن حنبل، محمد بن رافع، نصر بن علی جهضمی، خالد بن احمد ذهلی امیر، سفیان ثوری، یحیی بن ایوب و... از ایشان روایت نقل کرده اند» (ذهبی، ۱۴۰۵ ق، ج ۹: ۳۸۸).

۴-۲. نبود روایت از امام رضا (علیه السلام) در صحاح سته

یکی از پیش فرض‌هایی که ابن تیمیّه در رد احادیث مشهور به کار گرفته است، این است که هر حدیثی که در صحاح سته نیامده باشد، مردود بوده و حجت نیست. از همین رو احادیثی که از امام رضا (علیه السلام) هم نقل شده است براساس مبنای ابن تیمیّه حجت نخواهد بود. وی در این باره چنین می‌نویسد:

«احدی از اهل علم از او روایتی نقل نکرده و برای او حدیثی در کتب سته نیامده است. تنها روایاتی از ابوصلت هروی و امثال او است که نسخه‌هایی از پدران‌ش نقل کرده که در آن‌ها دروغ‌هایی است که خداوند صادقین از غیر اهل بیت را از آن‌ها منزه کرده تا چه رسد به صادقین از اهل بیت» (ابن تیمیّه، ۴۰۶، ج ۱، ق، ج ۴: ۶۱).

۴-۲-۱. نقد و بررسی

۴-۲-۱-۱. نقل روایت توسط صاحبان صحاح سته

روشن است که ملاک «عدم نقل روایت توسط صاحبان صحاح سته» نمی‌تواند دلیلی بر عالم نبودن امام رضا (علیه السلام) تلقی شود؛ چراکه اولاً برخی از صاحبان سته مانند بخاری اقرار کرده‌اند که بسیاری از روایات صحیح را به جهت اختصار در کتاب خود نیاورده‌اند؛ عین عبارت ایشان در این باره چنین است:

«هرچه در این کتاب نقل کرده‌ام صحیح است اما روایات صحیحی که نیاورده‌ام از آن‌ها بیشتر بوده است» (عسقلانی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۷).

افزون بر آن، صاحبان سته مانند بخاری و مسلم از برخی بزرگان اهل سنت مانند شافعی روایت نقل نکرده‌اند، آیا می‌توان ادعا کرد که به دلیل نقل نشدن روایات شافعی در صحیح بخاری و صحیح مسلم، شافعی و امثال وی عالم نیست؟!

ثانیاً؛ یک نفر از صاحبان سته از حضرت روایت نقل کرده است که این نقل می‌تواند

شاهد دیگری بر رد مدعای ابن تیمیہ باشد؛ ابن ماجه در سنن خود روایت اعتقادی «الإیمانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَقَوْلٌ بِاللِّسَانِ وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ» را آورده و آن را صحیح می‌داند (ابن ماجه، ۱۴۳۰ق، ج ۱: ۷۸).

نتیجه‌گیری

با توجه به کلمات بزرگان اهل سنت و تعابیری که درباره حضرت رضا (علیه السلام) دارند، اشکالات ابن تیمیہ درباره موقعیت علمی امام وارد نیست. از طرفی وجهه علمی امام در موقعیت‌های مختلف همچون مناظرات ایشان با بزرگان اقوام و ادیان و مذاهب گوناگون در مواقع مختلف و ویژگی‌های متعددی که مناظرات حضرت به چشم می‌خورد و از طرف دیگر نقص علمی معاصران امام، لغزش‌های مختلف آن‌ها مانند اختلاف در فقیه بودن احمد بن حنبل، تقدّم آرای ابو حنیفه بر شافعی، شیفتگی اسحاق بن راهویه برای نقل روایت از امام رضا (علیه السلام) و نیز سبک عقل بودن اشهب بن عبد العزیز که برخی درباره او واژه «طیش» را به کار برده‌اند، همگی نشانه بی‌انصافی و عداوت ابن تیمیہ به حضرت رضا (علیه السلام) است که با وجود روایات مختلف تفسیری و غیرتفسیری از امام، باز هم منکر نقل روایات از ایشان در منابع حدیثی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- آلوسی، محمود بن عبد الله. (۱۴۱۱ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی. تحقیق: علی عبد الباری عطیة. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن اثیر، عز الدین بن الاثیر. (۱۴۰۹ق). أسد الغابه. بیروت: دارالفکر.
- ابن اثیر، علی بن ابی الکرّم. (۱۴۱۷ق). الکامل فی التاریخ. تحقیق: عمر عبد السلام تدمری. بیروت: دار الکتب العربیة.
- ابن العماد الحنبلی، عبد الحی بن أحمد. (۱۴۰۶ق). شذرات الذهب فی أخبار من ذهب. تحقیق: محمود الأرناؤوط. بیروت: دار ابن کثیر.
- ابن تیمیہ، احمد بن عبد الحلیم. (۱۴۰۶ق). منهاج السنه النبویه فی نقض کلام الشیعه القدریہ. تحقیق: محمد رشاد سالم. جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامیة. ریاض: بی جا.
- (۱۳۹۸ق). مجموع الفتاوی. جمع و ترتیب: الشیخ عبدالرحمن بن قاسم، بی جا.
- ابن جوزی، أبو الفرج. (بی تا). مناقب الامام احمد بن حنبل. ریاض: مکتبة الخانجی.
- (۱۴۱۲ق). المنتظم فی تاریخ الامم والملوک. تحقیق: محمد عبد القادر عطا و مصطفی عبد القادر عطا. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن حبان، محمد بن حبان. (۱۳۹۳ق). الثقات. بیروت: دارالفکر.
- ابن حجر عسقلانی، أبو الفضل أحمد بن علی. (۱۳۲۶ق). تهذیب التهذیب. هند: دائرة المعارف النظامیة.
- ابن حجر هبتمی، احمد بن محمد. (بی تا). الصواعق المحرقة علی أهل الرفض والضلال والزندقه. لبنان: مؤسسة الرسالة.
- ابن خلکان، شمس الدین أحمد بن محمد. (بی تا). وفيات الأعیان وانباء أبناء الزمان. تحقیق: إحسان عباس. بیروت: دار صادر.
- ابن شهر آشوب. (۱۴۳۲ق). مناقب الابی طالب. قم: المکتبه الحیدریه.
- ابن عساکر، أبو القاسم علی بن الحسن. (۱۹۹۵م). تاریخ مدینة دمشق. تحقیق: محب الدین أبی سعید عمر بن غرامة العمری. بیروت: دار الفکر.
- ابن کثیر، إسماعیل بن عمر. (۱۴۰۸ق). البدایه والنهایه. تحقیق: علی شبری. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ابن ماجه، ابو عبد الله. (۱۴۳۰ق). سنن ابن ماجه. بیروت: دار الرسالة العالمیة.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. تحقیق: میردامادی. بیروت: دار الفکر.
- ابن ندیم، أبو الفرج محمد بن إسحاق. (۱۴۱۷ق). الفهرست. تحقیق: إبراهيم رمضان. چاپ دوم. بیروت: دار المعرفة.
- الاغانی، ابی الفرج. (بی تا). مقاتل الطالبیین. ترجمه: احمد صقر. بیروت: دارالمعرفه.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبد الله. (۱۴۱۱ق). المستدرک علی الصحیحین. تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: انتشارات دارالفکر.
- خطیب بغدادی، أبو بکر احمد بن علی. (۱۴۱۷ق). تاریخ بغداد. تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا. بیروت: دار الکتب العلمیة.

- دهلوی، شاه عبد العزیز. (۱۳۷۳ق). مختصر التحفة الاثنی عشریة. تهذیب و اختصار: محمود شکرى آلوسی. تحقیق: محبّ الدین خطیب. قاهره: انتشارات المطبعة السلفية.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن أحمد. (۱۴۰۵ق). سیر اعلام النبلاء. تحقیق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط. چاپ سوم. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- _____ (۱۴۱۶ق). العلو للعلی العفّار فی ایضاح صحیح الأخبار وسقیمها. تحقیق: أبو محمد أشرف بن عبد المقصود. ریاض: انتشارات مكتبة أضواء السلف.
- سبط ابن الجوزی، یوسف بن قزّوعلی. (۱۴۲۹ق). تذکرة الخواص المعروف بتذکرة خواص الأمة فی خصائص الأئمة. تحقیق: عامر النجار. مكتبة الثقافة الدينية.
- سبکی، تاج الدین عبد الوهاب بن علی. (۱۴۱۳ق). طبقات الشافعية الكبرى. تحقیق: محمود محمد الطناحي و عبد الفتاح محمد الحلو. بی جا.
- سلمی، أبو عبد الرحمن محمد بن الحسين. (۱۴۲۱ق). تفسیر السلمی وهو حقائق التفسیر. تحقیق: سید عمران. بیروت: دار الکتب العلمية.
- سیوطی، عبد الرحمن بن أبی بکر. (۱۴۲۹ق). الشافی العی علی مسند الشافی. تحقیق: عبد الرزاق بن أسعد الله بن عبد الرؤوف البخاری. بی جا.
- شریعتمداری، علی. (۱۳۶۶). ویژگی های حضرت رضا علیه السلام. مجموعه آثار دومین کنگره حضرت رضا. بی جا.
- طبرانی، أبو القاسم، سلیمان بن أحمد. (بی تا). المعجم الكبير. تحقیق: حمدی بن عبد المجید السلفی. چاپ دوم. قاهره: مكتبة ابن تیمیة.
- طبرسی، فضل الحسن. (۱۴۱۷ق). الإحتجاج علی أهل اللجاج. بی جا. المكتبة الشاملة.
- طبری، محمد. (بی تا). تاریخ الامم والملوک. ایران: مكتبة ارومیه.
- _____ (بی تا). تهذیب الآثار وتفصیل الثابت عن رسول الله من الأخبار. تحقیق: محمود محمد شاکر. قاهره: مطبعة المدني.
- طبری، احمد بن عبدالله. (۱۳۵۶ق). ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی علیهم السلام. قاهره: مكتبة القدسی.
- فضل الله، محمد جواد. (۱۳۶۱). تحلیلی از زندگانی امام رضا علیه السلام. ترجمه سید محمد صادق عارف. مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
- قرشی، محمد باقر شریف. (بی تا). پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام. ترجمه سید محمد صالحی. بی جا. بی نا.
- عسقلانی، احمد بن علی. (۱۳۷۹). فتح الباری شرح صحیح البخاری. بیروت: دار المعرفة.
- کتبی، محمد بن شاکر. (۲۰۰۰م). فوات الوفيات. تحقیق: علی محمد بن یعوض الله و عادل أحمد عبدالموجود. بیروت: دارالکتب علمیه.
- کثیری، محمد. (۱۴۱۸ق). السلفية بین أهل السنة والإمامية. بیروت: الغدير.
- مالکی، علی بن محمد. (۱۳۷۹). الفصول المهمة فی معرفة الأئمة. قم: دارالحديث.
- مرتضوی، سید محمد. (۱۳۷۵). نهضت کلامی در عصر امام رضا علیه السلام. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- مزّی، یوسف بن عبد الرحمن. (۱۴۰۰ق). تهذیب الکمال فی أسماء الرجال. تحقیق: بشار عواد معروف.

- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۸). مناظرات تاریخی امام علی بن موسی الرضا با پیروان مذاہب و مکاتب مختلف. چاپ دوم. مشهد: آستان قدس رضوی.
- نویری، أحمد بن عبد الوہاب. (۱۴۲۳ق). نہایہ الأرب فی فنون الأدب. قاہرہ: دار الکتب والوثائق القومیة.

